

رابطه بین ارزش های فرهنگی، شیوه های فرزندپروری، منابع کنترل و سبک های اسنادی با خودباوری جوانان استان بوشهر

سید موسی گلستانه^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۵/۴
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۹/۲

خودباوری، یکی از خصوصیات مهم و اساسی شخصیت هر فرد را تشکیل می دهد و بر روی سایر جنبه های شخصی انسان اثر می گذارد و کمبود یا فقدان آن باعث عدم رشد سایر جنبه های شخصیت خواهد شد. هدف پژوهش حاضر، تعیین رابطه بین ارزش های فرهنگی، شیوه های فرزندپروری، منابع کنترل و سبک های اسنادی با خودباوری جوانان استان بوشهر بود. روش تحقیق حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل تمامی جوانان استان بوشهر بود که از بین شهرستان های مختلف استان بوشهر، به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای تعداد ۳۰۰۰ نفر انتخاب گردیدند. ابزارهای پژوهش حاضر شامل پرسشنامه های سبک های اسنادی سلیگمن، منبع کنترل لوینسون، مقیاس خودباوری روزنبرگ و ارزش های فرهنگی هافستد بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج تحلیل داده ها نشان داد که فرهنگ مردسالاری- زن سالاری و فرهنگ توزیع قدرت با خودباوری رابطه معکوس معنی داری دارد. بین شیوه فرزند پروری منطقی و شیوه فرزندپروری استبدادی با خودباوری رابطه معنی داری به دست آمد. بین منبع کنترل درونی و بیرونی با خودباوری رابطه معنی داری وجود داشت. از طرف دیگر، سبک های اسنادی خوشبینانه و بدبینانه رابطه معنی داری با خودباوری داشتند. بنابراین، بر اساس نتایج تحقیق می توان گفت که منبع کنترل درونی و سبک های اسنادی خوشبینانه به خوبی می توانند خودباوری جوانان را پیش بینی نمایند.

واژگان کلیدی: خودباوری، ارزش فرهنگی، فرزند پروری، منبع کنترل، سبک اسنادی و جوانان

جوانی، دوره حساسی است و از یک نظر فرصتی طلایی برای به فعل در آوردن بخشش‌های خداوندی از طریق کسب تجربه‌های متعدد و متنوع می‌باشد. از طرف دیگر، سال‌های جوانی مرحله مهم و برجسته رشد و تکامل اجتماعی و روانی فرد به شمار می‌رود. کمک به جوانان در جهت رشد مهارت‌های اجتماعی، ایجاد یا افزایش خودباوری در برخورد با مشکلات و همچنین کمک به آنها در جهت سازگاری موفق با محیط اجتماعی و زندگی مؤثر و سازنده در جامعه ضروری به نظر می‌رسند (شعاری نژاد، ۱۳۹۰).

خودباوری یک مفهوم ابداعی توسط بندورا (۱۹۷۷) روان‌شناس معروف است و به ارزیابی شناختی فرد در مورد توانایی‌ها و قابلیت‌های خود برای انجام موفقیت‌آمیز تکالیف یا امور اشاره دارد. خودباوری به عنوان ظرفیت و توانایی تعبیر و تفسیر رویدادها به گونه‌ای که احساس خود ارزشی را در فرد افزایش دهد و حفظ کند، تعریف شده است (کرنیس^۱، ۲۰۰۶). مفهوم خودباوری در مرکز نظریه شناختی-اجتماعی بندورا قرار دارد که به باورها یا قضاوت‌های فرد به توانایی‌های خود در انجام وظایف و مسئولیت‌ها اشاره دارد. به بیان دیگر، برداشت‌ها و احساسات افراد نسبت به خودشان "خودباوری" نامیده می‌شود. علاوه بر احساسات و برداشت‌های افراد نسبت به خودشان، توانایی آنها در مبارزه جویی با زندگی، امیدواری و کنترل رویدادهایی که برای آنها اتفاق می‌افتد نیز از جمله مولفه‌هایی هستند که اثر آنها بر سلامت انسان به نحوه گسترده‌ای در ادبیات روان‌شناسی مورد تأیید قرار گرفته است (موتلو، بالبگ و کمرک^۲، ۲۰۱۰). کارکردهای خودباوری سالم به طور فعال در ابعاد مختلف زندگی از جمله موفقیت، پیشرفت خشنودی و نیروی لازم برای مقابله با بیماری‌هایی از قبیل سرطان و ناراحتی‌های قلبی منعکس می‌شود. برعکس، خودباوری ضعیف، نقش قاطعی در رشد مجموعه‌ای از اختلالات روانی و مشکلات اجتماعی از قبیل افسردگی، بی‌اشتهایی، خشونت، اضطراب، جوع و رفتارهای مخاطره‌آمیز دارد (دانلی، یانگ، پیرسون، پنهللو و هرناندز^۳، ۲۰۰۸).

بندورا (۲۰۰۶) بر این باور بود که خودباوری یکی از مهمترین عوامل تنظیم رفتار انسان است. قضاوت‌های ناکارآمدی فرد در یک موقعیت، بیشتر از کیفیت و ویژگی‌های خود موقعیت فشارآور است. افراد با خودباوری کم، تفکرات بدبینانه‌ای درباره توانایی‌های خود دارند. بنابراین، این افراد در هر موقعیتی که بر

1. Kernis

2. Mutlu, Balbag and Cemrek

3. Donnelly, Young, Pearson, Penhollow and Hernandez

اساس نظر آنها از توانایی‌هایشان فراتر باشد، دوری می‌کنند. در مقابل افراد با خودباوری بالا، تکالیف سخت را به عنوان چالش‌هایی که می‌توانند بر آنها مسلط شوند، در نظر می‌گیرند. آنها تکالیف چالش برانگیز را انتخاب می‌کنند، سریعتر حس خودباوری آنها بهبود می‌یابد و در صورت وجود مشکلات، تلاششان حفظ می‌شود (کارادیماس و کالانتزی^۱، ۲۰۰۴). خودباوری به انسان‌ها انرژی می‌دهد و مجهزشان می‌کند و مانند تسهیل‌گر برای کار و فعالیت عمل می‌کند. خودباوری از طریق تجارب موفقیت‌آمیز زندگی افزایش می‌یابد و به واسطه تجارب شکست تقلیل می‌یابد (یو، فرلنگ، فیلیکس، شارکی و تانیگوا^۲، ۲۰۰۸). امروزه، به خودباوری به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در سلامتی افراد توجه شده، اما هنوز ارزش کاربردی و پیش‌بینی‌کنندگی خودباوری مبهم باقی مانده است (شرانک و استانگلینی^۳، ۲۰۰۸).

خودباوری، یکی از خصوصیات مهم و اساسی شخصیت هر فرد را تشکیل می‌دهد و به طور حتم روی سایر جنبه‌های شخصی انسان اثر می‌گذارد و کمبود یا فقدان آن باعث عدم رشد سایر جنبه‌های شخصیت یا ناموزونی آنها خواهد شد و حتی ممکن است پایه‌گذار بیماری‌های روانی گوناگون مانند افسردگی، کمرویی، افت تحصیلی، ترس و ... شود (بیابانگرد، ۱۳۹۰). خودباوری، پدیده‌ای روانشناختی است که تأثیر قاطعی بر ابعاد عاطفی و شناختی انسان دارد (کروکر^۴، ۲۰۰۲). خودباوری به معنی برداشت شخص درباره ارزش و اهمیت خویش است. ارزشی که فرد درباره خود قائل است، عموماً نشأت گرفته از اهمیتی است که والدین به او می‌دهند (لطف آبادی، ۱۳۸۰). بتازگی پژوهش‌ها آشکار ساخته‌اند که سلامت و بهزیستی با خودباوری رابطه دارند و خودباوری از واریانس مشترک معناداری هر دو مؤلفه بهزیستی و شادکامی برخوردار است (زیمرمن^۵، ۲۰۰۰).

در سال‌های اخیر، روان‌شناسان از این واقعیت که خودباوری فرد و نگرش و ادراک وی از خودش، رابطه بسیار نزدیکی با چگونگی یادگیری و رفتار او دارد، به خوبی آگاه شده‌اند (تلا^۶، ۲۰۱۱). گرین، میلر، کروسن و آکی^۷ (۲۰۰۴؛ به نقل از بختیارپور، حافظی و بهزادی، ۱۳۸۹) خودباوری را عاملی مهم در پیش‌بینی موفقیت در حوزه‌های تخصصی قلمداد کردند. خودباوری به عنوان یک عامل انگیزشی، فعال

1. Kruglanski and Higgins

2. You, Furlong, Felix, Sharkey and Tanigawa

3. Schrank and Stanghellini

4. Crocker

5. Zimmerman

6. Tella

7. Greene, Miller, Crowson and Akey

کننده و جهت دهنده و فشار آنان به سوی اهداف مورد نظر می‌باشد (جین و داوسون^۱، ۲۰۰۹)، اما بیشتر به عنوان مؤلفه‌های اصلی رفتاری به خصوص تغییر رفتار توصیف می‌شود (سانگ، والک، براک و تاندر^۲، ۲۰۱۰). انسان‌ها در طی زندگی، باورهایی را درباره خود و پدیده‌های پیرامونی کسب می‌کنند. خودباوری از جمله باورهایی است که نقش بنیادین در کیفیت زندگی و ایجاد تعادل و توازن بین ابعاد مختلف زندگی انسان دارد. خودباوری به معنای باور فرد در مورد توانایی مقابله او در موقعیت‌های ویژه است که بر الگوهای فکری، رفتاری و هیجانی انسان در سطوح مختلف تجربه انسانی تأثیرگذار است و تعیین کننده این است که آیا رفتاری شروع خواهد شد یا خیر و اگر شروع شد، فرد تا چه اندازه برای انجام آن تلاش خواهد کرد و در رویارویی با مشکل چه مقدار استقامت از خود نشان خواهد داد (بندورا، ۲۰۰۶). تلاش، کوشش، استقامت و یادگیری ما بوسیله خودباوری پایین محدود می‌شود و به وسیله خودباوری بالا افزایش می‌یابد (بندورا و شانک^۳، ۲۰۰۵). بنابراین بررسی پیشایندهای مهم خودباوری جوانان بسیار حائز اهمیت است. یکی از پیشایندهای مهم خودباوری جوانان، فرهنگ است. در فرهنگ‌هایی که خود جمعی بر خود فردی غلبه دارد، معمولاً شیوه‌های تربیتی بر روش‌های تنبیهی بنا شده و از پذیرش حمایت و خود مختاری فرزندان، خبری نیست (کاراگوزوغللو، کوهه و ادمیسوغللو^۴، ۲۰۰۸). در این فرهنگ‌ها، کودکی که در مورد مرجع قدرت تردید کند، در مدرسه تنبیه می‌شود و بزرگسالان دیگر، او را سرزنش می‌کنند (اسکات، شانن و کارولین^۵، ۲۰۰۴) و ممکن است برونداد فرآیند اجتماعی فوق، شهروندی باشد که عزت نفس پایین دارد، خودباوری وی ضعیف است و بطور کلی از لحاظ پایین بودن سلامت روانشناختی، رنج می‌برد (هارجی و دیکسون^۶، ۲۰۰۴).

پیشایند دیگر خودباوری، سبک‌های اسنادی است. سبک‌های اسنادی، عبارت است از نحوه تفسیر شکست‌ها و موفقیت‌ها و نسبت دادن علل آنها به عوامل مختلف. به طور کلی سه سبک اسناد مطرح شده است:

- اسناد درونی - بیرونی: نسبت دادن علل پیامدها به عواملی که از خود شخص ناشی می‌شود، در برابر نسبت دادن علل آنها به عوامل خارج از شخص - محیطی یا موقعیتی؛

1. Jain and Dowson

2. Sang, Valcke, Braak and Tondeur

3. Schunk

4. Karagozoglu, Kahve and Adamisoglu

5. Scott, Shannon and Corolin

6. Hargie and Dickson

• اسناد کلی - اختصاصی: نسبت دادن علل پیامدها به تمامی موقعیت ها در برابر نسبت دادن آن به یک موقعیت خاص؛

• اسناد پایدار - ناپایدار: تعمیم علل پیامدها به مدت زمان طولانی و همیشگی در برابر نسبت دادن علل پیامدها به زمان حال و مدت کوتاه (بیگدلی و مددی، ۱۳۹۲).

در بررسی روند فعالیت های معطوف به موفقیت و پیشرفت، هایدرو عوامل چهارگانه توانایی، کوشش، شانس و دشواری تکلیف را موثر می داند. عوامل چهارگانه علی هایدرو را می توان بر اساس منبع کنترل متغیرها طبقه بندی نمود. منظور از منبع کنترل این است که منبع کنترل متغیرها در کجا قرار دارد، یعنی درونی است یا بیرونی. عاملی درونی است که کنترل آن در اختیار فرد باشد و برعکس، عاملی بیرونی است که فرد نتواند آن را کنترل کند (بیگدلی و مددی، ۱۳۹۲). انجام پژوهشی در مورد سبک های اسنادی، منبع کنترل و ارزش های فرهنگی با خودباوری جوانان که از نیروهای سازنده و فعال کشور هستند، حائز اهمیت می باشد و جوانان خودباور می توانند نقش اساسی در آینده کشور ایفا کنند.

پژوهشگران متعددی چهار شیوه فرزندپروری اساسی مبتنی بر دو شاخص اصلی یعنی محبت والدین (پاسخ دهی والدینی) و کنترل والدین (سخت گیری والدینی) را طرح ریزی کرده اند (شفر، ۲۰۰۳). در فرزندپروری مستبدانه، والدین سطوح بالایی از کنترل و سطح پایینی از پاسخ دهی را اعمال می کنند. آن ها از فرزندان خود انتظار اطاعت دارند و اغلب برای پیشگیری از نافرمانی، فرزندان خود را تنبیه می کنند. در فرزندپروری سهل گیرانه، والدین برخلاف والدین سخت گیر بسیار پاسخ دهنده هستند و اجازه خودگردانی زیادی به کودکان می دهند و آن ها را ملزم به انجام رفتار رشد یافته نمی کنند. در فرزندپروری غفلت ورزانه، والدین در پاسخ دهی و سخت گیری در سطح پایینی قرار دارند و طرد کننده یا مسامحه کننده اند. در شیوه فرزندپروری مقتدرانه، والدین دارای سطح بالایی از کنترل و پاسخ دهی هستند و فرزندان آنان اجتماعی و به طور مؤثری با کفایت اند و مشکلات رفتاری اندکی را نشان می دهند. فرزند پروری آزادمنشانه به جوانان کمک می کند تا مفهوم پایداری از عزت نفس را به دست آورند (توزنده جانی و همکاران، ۱۳۹۰). سبک فرزندپروری همراه با مراقبت افراطی و سطح پایین پذیرش، با عزت نفس ارتباط منفی دارد. چنین به نظر می رسد که سبک های فرزندپروری با خودباوری افراد نیز نقش داشته باشند (بندورا، ۲۰۰۰). نتایج مطالعه ای نشان می دهد که خودباوری پایین با عزت نفس پایین و روان نژندخویی نیز در ارتباط می باشد. اگرچه تحقیقات آشکاری در مورد رابطه شیوه های فرزندپروری والدین و خودباوری وجود ندارد، اما شواهد

قابل ملاحظه ای وجود دارد مبنی بر این که خودباوری بالا به کیفیت بالای تعاملات مادر-کودک، حساسیت، گرمی و پاسخدهی مادرانه مربوط است. این ویژگی های والدینی می تواند با سبک های فرزندپروری مختلفی در ارتباط باشد و عوامل محافظتی مهمی برای فرد باشد و منجر به ارتقای عزت نفس و کفایت اجتماعی شود (تامسون، هولیس و ریچاردز، ۲۰۰۳). ترنر، جاندر و هفر (۲۰۰۹) در پژوهشی با هدف تعیین رابطه سبک فرزندپروری مقتدرانه با خودباوری و انگیزش درونی بر روی دانشجویان، مشخص ساختند که فرزندپروری مقتدرانه بر انگیزش درونی و خودباوری تأثیر دارد.

بنابراین با توجه به مطالب گفته شده، بررسی این موضوع در جامعه ایرانی حائز اهمیت است. از طرف دیگر، از میان پیشایندهای مهم خودباوری جوانان به سبک های اسنادی، شیوه های فرزندپروری، ارزش های فرهنگی و منبع کنترل می توان اشاره کرد که این تحقیق به بررسی نقش این پیشایندهای مهم در خودباوری جوانان می پردازد. بنابراین فرضیه اصلی تحقیق حاضر این است که بین ارزش های فرهنگی، شیوه های فرزندپروری، منابع کنترل و سبک های اسنادی با خودباوری جوانان رابطه چندگانه معنی داری وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

طرح تحقیق حاضر توصیفی از نوع همبستگی است که به صورت میدانی اجرا گردید. خودباوری جوانان، متغیر ملاک تحقیق است و سبک های اسنادی، نگرش های فرزند پروری، ارزش های فرهنگی و منبع کنترل به عنوان متغیرهای پیش بین بودند. با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون، رابطه بین متغیرهای پیش بین با ملاک مورد بررسی قرار گرفت. جامعه آماری کلیه جوانان سنین ۱۵ تا ۲۹ ساله استان بوشهر می باشند که بنا بر آمار اخذ شده از ثبت احوال استان تعداد این افراد برابر با ۳۵۲۵۳۴ نفر می باشد. جهت تعیین حجم نمونه از جدول مورگان کرجسی و فرمول کوکران استفاده شد که در هر دو روش حجم نمونه ۳۸۰ نفر در نظر گرفته شد. از آنجا که تحقیق در سطح کل استان بود و ۹ شهرستان داشتیم، یک نمونه ۳۰۰۰ نفری در نظر گرفته شد و به نسبت جمعیت شهرستان، این ۳۰۰۰ نفر در شهرستان های مختلف توزیع شدند (جدول ۱). (جمعیت هر شهر n/N^*) به عنوان مثال، برای محاسبه تعداد نمونه در شهر بوشهر این گونه عمل شد: ۳۰۰۰ تقسیم بر ۳۵۲۵۳۴ ضرب در ۸۸۸۰۷ که مقدار حاصل ۷۵۵ نفر می شود که برابر با نمونه شهر بوشهر است. روش نمونه گیری در این تحقیق به صورت خوشه ای چندمرحله ای بود. ابتدا به

روش صورت تصادفی از یک شهر چند محله (بین ۲ تا ۴ محله) انتخاب شد، سپس از هر ۹ شهر بزرگ استان (بوشهر، برازجان، گنگان، گناوه، خورموج، دیر، اهرم، دیلم و جم) چند محله (بین ۲ تا ۴ محله) به طور تصادفی انتخاب شد و فرایند نمونه گیری انجام گردید. لازم به ذکر است که حجم نمونه به نسبت جمعیت هر شهر صورت گرفت. جمعیت هر شهر و نمونه انتخاب شده برای آن در جدول زیر ارائه آمده است:

جدول ۱: نسبت جمعیت به نمونه در هر شهر استان بوشهر

شهر	بوشهر	برازجان	کنگان	گناوه	خورموج	دیر	اهرم	دیلم	جم
جمعیت	۸۸۸۰۷	۷۴۵۷۲	۶۶۸۸۶	۲۸۱۵۹	۲۶۱۴۳	۱۸۲۰۳	۲۲۹۰۲	۹۹۶۵	۱۶۸۹۷
نمونه	۷۵۵	۶۳۴	۵۷۰	۲۴۰	۲۲۳	۱۵۵	۱۹۵	۸۵	۱۴۳
کل نمونه	۳۰۰۰								

در تحقیق حاضر از پرسشنامه های زیر استفاده شد:

• پرسشنامه خودباوری روزنبرگ (RES)

ابزار اندازه گیری در این پژوهش، مقیاس خودباوری روزنبرگ می باشد (روزنبرگ، ۱۹۶۵) که شامل ۱۰ ماده خود گزارشی است و برای اندازه گیری احساس پذیرش یا ارزش خود کلی نوجوانان تدوین شده است. مقیاس خودباوری روزنبرگ نسبت به مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت، یک ابزار ساده و کوتاه واجد قابلیت اعتماد (همسانی درونی و بازآزمایی) و اعتبار (همگرا و واگرا) مناسب است و برای هر گروه سنی با میزان تحصیلات حتی در سطح پنجم ابتدایی قابل اجرا می باشد. به بیان دیگر، مقیاس خودباوری روزنبرگ پرمصرف ترین ابزار استفاده شده برای درک خودباوری کلی به عنوان ارزیابی کلی شخص از ارزشمندی او به عنوان یک انسان محسوب می گردد (محمدی، ۱۳۸۴).

• پرسشنامه ارزش های فرهنگی هافستد

هدف از تدوین این پرسشنامه، شناسایی فرهنگی ملی خود با استفاده از ابعاد فرهنگ ملی که به وسیله هافستد ایجاد شده است، می باشد. این پرسشنامه ۴ بعد را با ۲۵ سوال مورد سنجش قرار می دهد: بعد اول، فرهنگ مرد سالاری در مقابل زن سالاری؛ بعد دوم، فرهنگ فردگرایی در مقابل جمع گرایی؛ بعد سوم،

فرهنگ اجتناب از عدم اطمینان و بعد چهارم، فرهنگ فاصله قدرت. این آزمون در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته و اعتبار و پایایی آن مناسب گزارش شده است. نتایج مطالعه وو (۲۰۰۶) پایایی ابزار را به روش آلفای کرونباخ در ابعاد مختلف بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۰ گزارش داد و اعتبار پرسشنامه را مطلوب ذکر کرد. در ایران نیز (منصوری، مطیعی، شکرریز و نجاتی، ۱۳۹۲) برای اعتبار ابزار از روش تحلیل عاملی استفاده شد که با توجه به معناداری مجذور کای آزمون بارتلت، مفروضه کرویت داده ها تایید شد و از این رو با استفاده از روش تحلیل مؤلفه های اصلی، مورد تحلیل قرار گرفت. این تحلیل ۴ عامل عمده دارای ارزش ویژه بالای ۱ به دست داد که روی هم رفته ۵۳ درصد از واریانس داده ها را تبیین می کرد. پایایی پرسشنامه نیز با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۳ به دست آمد.

• پرسشنامه شیوه های فرزند پروری (بامریند)

فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط بامریند طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه، شیوه های فرزند پروری ادراک شده والدین را در سه عامل اندازه گیری می کند: شیوه سهل گیرانه، شیوه استبدادی و شیوه قاطع و اطمینان بخش. روایی و پایایی این پرسشنامه تایید شده است. بورای (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش افتراقی استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل گیری ۰/۳۸- و اقتدار منطقی ۰/۴۸- دارد، ولی شیوه سهل گیری رابطه معنی داری با شیوه اقتدار منطقی ۰/۰۷- ندارد. بورای (۱۹۹۱) برای محاسبه پایایی از روش باز آزمایی استفاده کرد که بیش از ۰/۸۰ گزارش گردید.

• پرسشنامه سبک های اسنادی سلیگمن

این پرسشنامه توسط سلیگمن و همکاران در سال ۱۹۷۹ ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۱۰ سؤال یا موقعیت است که هر سؤال خود شامل ۳ سؤال می باشد. بنابراین، جمعا ۳۶ سؤال است. پرسشنامه حاضر از ۶ موقعیت اسنادهای علی در مورد پیامدهای مثبت (موفقیت) و ۶ موقعیت اسنادهای علی در مورد پیامدهای منفی (شکست) تشکیل شده است. از آزمودنی خواسته می شود تا تصور کند هر یک از موقعیت ها برای آن ها واقعا روی داده است و سپس علل مربوط به هر رویداد را برای اندازه گیری اسناد از جهت ابعاد درونی، پایدار و کلی درجه بندی و ثبت نماید. ضریب پایایی آزمون اصلی به روش باز آزمون انجام گرفته است. نتایج باز آزمون برای پیامدهای خوب و بد ابعاد درونی، پایدار، کلی در یک دوره ۵

هفته‌ای بین ۰/۷۰ تا ۰/۷۵ گزارش گردیده است (پیترسون، ۱۹۸۲ به نقل از واضحی آشتیانی ۱۳۸۲). اعتبار آزمون نیز به شرح زیر به دست آمد: پیامد بد درونی ۰/۴۴، پیامد خوب درونی ۰/۳۰، پیامد بد پایدار، ۰/۶۴، پیامد خوب پایدار ۰/۵۴، پیامد بد کلی ۰/۶۴، پیامد خوب کلی ۰/۵۸. در ایران نیز اسلامی شهر بابکی (۱۳۶۹) تعداد ۱۰ موقعیت فرضی را از آزمون سلیگمن اقتباس کرده که پایایی ضریب آلفا عبارت است از: پیامد بد درونی ۰/۷۵، پیامد خوب درونی ۰/۷۴، پیامد با ثبات ۰/۴۳، پیامد خوب با ثبات ۰/۵۶، پیامد بد کلی ۰/۷۳، پیامد خوب کلی ۰/۷۶.

• پرسشنامه منبع کنترل لونسون

این پرسشنامه توسط لونسون در سال ۱۹۷۳ ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۲۴ سؤال می‌باشد. پرسشنامه حاضر از ۳ زیر مقیاس کنترل درونی، کنترل بیرونی - اعتقاد به شانس و کنترل بیرونی - اعتقاد به افراد قدرتمند تشکیل شده است. از آزمودنی خواسته می‌شود تا تصور کند هر یک از موقعیت‌ها برای آن‌ها واقعا روی داده است و سپس علل مربوط به هر رویداد را برای اندازه‌گیری کنترل از جهت بعد درونی و بیرونی درجه‌بندی و ثبت نماید. ضریب پایایی آزمون اصلی از طریق دو نیمه سازی در هر کدام از عامل های کنترل درونی، کنترل بیرونی - شانس و کنترل بیرونی - اثر افراد قدرتمند به ترتیب ۰/۳۱، ۰/۷۳ و ۰/۶۷ به دست آمد (قاسم زاده، ۱۳۸۶). اعتبار آزمون نیز به شرح زیر به دست آمد: کنترل درونی ۰/۵۱، کنترل بیرونی - شانس ۰/۳۶ و کنترل بیرونی - اثر افراد قدرتمند ۰/۴۲ (قاسم زاده، ۱۳۸۶).

یافته های پژوهش

اطلاعات به دو صورت توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از شاخص های آمار توصیفی مانند فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار استفاده شد. برای بررسی فرضیه های تحقیق از آزمون ضریب همبستگی پیترسون، تحلیل رگرسیون و آزمون تحلیل واریانس چند متغیری استفاده گردید. همچنین، داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۱۸ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. سطح معنی داری برای آزمون فرضیه $p < 0/05$ در نظر گرفته شد. در این تحقیق ۱۳۷۸ نفر دختر و ۱۶۲۲ نفر پسر بودند. در جدول ۲ میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق ارائه شده است:

جدول ۲: میانگین و انحراف معیار متغیرهای خودباوری، شیوه های فرزندپروری و منبع کنترل و سبک های اسنادی و

ارزش های فرهنگی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
خودباوری	۸۱/۰۷	۱۱/۸۴	۲۷	۱۲۰
شیوه فرزندپروری آزادگذاری	۹۹/۵۴	۱۴/۱۷	۵۲	۱۳۷
شیوه فرزندپروری استبدادی	۴۲/۹۲	۷/۱۸	۲۵	۷۱
شیوه فرزندپروری منطقی	۵۴/۱۶	۹/۸۰	۲۴	۷۲
کنترل درونی	۱۰۵/۷۶	۱۸/۲۵	۴۳	۱۷۸
کنترل بیرونی - شانس	۲۶/۱۶	۶/۴۱	۶	۳۶
کنترل بیرونی - اثر افراد قدرتمند	۱۳/۵۵	۴/۳۷	۵	۶۴
سبک اسنادی بدبینانه درونی - بیرونی	۱۵/۰۶	۳/۵۲	۵	۲۵
سبک اسنادی بدبینانه پایدار - ناپایدار	۱۰/۷۸	۲/۸۵	۵	۲۰
سبک اسنادی بدبینانه کلی - جزئی	۱۳/۸۸	۴/۰۸	۵	۵۶
سبک اسنادی خوشبینانه درونی - بیرونی	۱۱/۵۰	۲/۹۱	۵	۳۱
سبک اسنادی خوشبینانه پایدار - ناپایدار	۱۱/۰۴	۲/۶۸	۵	۲۰
سبک اسنادی خوشبینانه کلی - جزئی	۱۲/۴۱	۲/۷۶	۵	۲۳
سن	۲۳/۶۸	۳/۷۴	۱۵	۳۸
فرهنگ مرد سالاری در مقابل زن سالاری	۳/۳۸	۰/۷۰	۱	۷
فرهنگ فردگرایی در مقابل جمع گرایی	۴/۰۴	۰/۷۵	۲	۱۲
فرهنگ اجتناب از عدم اطمینان	۴/۰۷	۰/۵۸	۲	۵
فرهنگ توزیع قدرت	۳/۲۳	۰/۷۰	۱	۸

در ادامه به بررسی فرضیه های تحقیق پرداخته شد.

- بین انواع ارزش های فرهنگی با خودباوری جوانان رابطه ساده و چندگانه معنی داری وجود دارد.

جهت پاسخ به یافته های مربوط به فرضیه های تحقیق، از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. ضریب همبستگی بین فرهنگ مردسالاری - زن سالاری با خودباوری جوانان ۰/۱۲ - $r=$ است که این رابطه در سطح $p < 0/01$ معنی دار است. بنابراین فرضیه اول تحقیق مورد تایید واقع گردید؛ این بدان معناست که هر چه حالت فرهنگی از حالت تعادل فرهنگی به سمت فرهنگ زن سالاری پیش برود با خودباوری جوانان رابطه معنی داری وجود دارد. بنابراین فرهنگ مرد سالاری با خودباوری رابطه

معکوسی دارد. همچنین، ضریب همبستگی بین فرهنگ توزیع قدرت با خودباوری جوانان $r = -0/12$ است که در سطح $p < 0/05$ معنی دار است. بنابراین این فرضیه مورد تایید واقع گردید. این بیانگر آن است که هر چه توزیع قدرت در جامعه عادلانه باشد، با خودباوری جوانان رابطه معنی داری وجود دارد. بنابراین، یافته به دست آمده حاکی از آن است که هر چه توزیع قدرت در جامعه ناعادلانه باشد با خودباوری جوانان رابطه معکوس معنی داری دارد. اما ضریب همبستگی بین فرهنگ فردگرایی - جمع گرایی با خودباوری جوانان $r = 0/005$ و ضریب همبستگی بین فرهنگ اجتناب از عدم اطمینان با خودباوری جوانان $r = 0/03$ است که در سطح $p < 0/05$ معنی دار نبودند. جهت بررسی رابطه چندگانه ارزش های فرهنگی (فرهنگ مردسالاری- زن سالاری، فردگرایی - جمع گرایی، اجتناب از عدم اطمینان و توزیع قدرت) با خودباوری جوانان از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. جدول ۳ نتایج تحلیل رگرسیون را نشان می دهد.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون خودباوری از طریق ارزش های فرهنگی

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	MR	RS	F (p)	ضرایب رگرسیون
خود باوری	مردسالاری-زن سالاری	0/12	0/02	6/95 (0/001)	مردسالاری-زن سالاری $\beta = -0/12$ $t = -2/63$ $P < 0/001$

همان طور که مشاهده می کنید رابطه چندگانه ارزش های فرهنگی با خودباوری جوانان $MR = 0/12$ ، $RS = 0/02$ و با توجه به مقدار $F = 6/95$ این رابطه در سطح $P < 0/001$ معنی دار است. بنابراین این فرضیه مورد تایید واقع گردید. از بین متغیرهای پیش بین (انواع ارزش های فرهنگی) بهترین پیش بین کننده ارزش فرهنگی مردسالاری- زن سالاری بوده است.

فرضیه دیگر تحقیق این بود که بین انواع شیوه فرزندپروری با خودباوری جوانان رابطه ساده و چندگانه معنی داری وجود دارد. ضریب همبستگی بین شیوه فرزندپروری آزادگذاری با خودباوری جوانان $r = -0/06$ است که در سطح $p < 0/05$ معنی دار نیست. بین شیوه فرزندپروری استبدادی با خودباوری جوانان $r = -0/12$ و بین شیوه فرزندپروری منطقی با خودباوری جوانان $r = 0/17$ است که این ضرایب همبستگی در سطح $p < 0/05$ معنی دار است. جهت بررسی رابطه چندگانه بین انواع شیوه های فرزند پروری با خودباوری جوانان از تحلیل رگرسیون استفاده شد. جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون را نشان می دهد.

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون خودباوری از طریق متغیرهای شیوه های فرزندپروری

ضرایب رگرسیون		F (p)	RS	MR	متغیرهای پیش بین	متغیر ملاک
استبدادی	منطقی					
	$\beta=0/18$ $t=4/01$ $P<0/001$	۱۶/۱۰ (۰/۰۰۱)	۰/۰۳	۰/۱۸	منطقی	خود باوری
$\beta=-0/10$ $t=-2/27$ $P<0/05$	$\beta=0/17$ $t=3/77$ $P<0/001$	۱۰/۷۰ (۰/۰۰۱)	۰/۰۴	۰/۲۱	استبدادی	

همان طور که مشاهده می کنید رابطه چندگانه شیوه های فرزندپروری با خودباوری جوانان $MR=0/21$ ، $RS=0/04$ و با توجه به مقدار $F=10/70$ این رابطه در سطح $P<0/001$ معنی دار است. بنابراین این فرضیه مورد تایید واقع گردید. از بین متغیرهای پیش بین (انواع شیوه های فرزندپروری) بهترین پیش بین کننده به ترتیب شیوه فرزند پروری منطقی و استبدادی بوده است.

• بین منبع کنترل درونی با خودباوری جوانان رابطه معنی داری وجود دارد.

ضریب همبستگی بین منبع کنترل درونی با خودباوری جوانان $r=0/09$ ، ضریب همبستگی بین منبع کنترل بیرونی شانس با خودباوری جوانان $r=-0/25$ و ضریب همبستگی بین منبع کنترل بیرونی قدرت با خودباوری جوانان $r=-0/31$ است که در سطح $p<0/01$ معنی دار است.

• بین منابع کنترل درونی، بیرونی شانس و بیرونی اثر افراد قدرتمند با خودباوری جوانان رابطه

چندگانه معنی داری وجود دارد.

جدول ۵ نتایج تحلیل رگرسیون را نشان می دهد.

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون خودباوری از طریق منابع کنترل

ضرایب رگرسیون		F (p)	RS	MR	متغیرهای پیش بین	متغیر ملاک
کنترل درونی	کنترل بیرونی					
	$\beta=-0/31$ $t=-6/98$ $P<0/001$	۴۸/۷۲ (۰/۰۰۱)	۰/۰۹	۰/۳۱	کنترل بیرونی قدرت	خود باوری

$\beta=0/20$	$\beta=-0/37$	34/95	0/13	0/36	کنترل درونی	
$t=-4/39$	$t=8/10$	(0/001)				
$P<0/05$	$P<0/001$					

همان طور که مشاهده می کنید رابطه چندگانه منابع کنترل با خودباوری جوانان $MR = 0/36$ ، $RS = 0/13$ و با توجه به مقدار $F = 34/95$ در سطح $P < 0/001$ معنی دار است. بنابراین این فرضیه مورد تایید واقع گردید. از بین متغیرهای پیش بین (کنترل بیرونی اثر افراد قدرتمند، کنترل درونی و کنترل بیرونی شانس) بهترین پیش بین کننده به ترتیب کنترل بیرونی اثر افراد قدرتمند و کنترل درونی بوده است.

• بین سبک اسنادی بدبینانه درونی - بیرونی با خودباوری جوانان رابطه معنی داری وجود دارد.

ضریب همبستگی بین سبک اسنادی بدبینانه درونی - بیرونی با خودباوری جوانان $r = -0/16$ ، بین سبک اسنادی بدبینانه پایدار - ناپایدار با خودباوری جوانان $r = -0/16$ ، بین سبک اسنادی خوشبینانه پایدار - ناپایدار با خودباوری جوانان $r = 0/17$ و بین سبک اسنادی خوشبینانه کلی - جزئی با خودباوری جوانان $r = 0/10$ است که همگی در سطح $p < 0/05$ معنی دار است. ضریب همبستگی بین سبک اسنادی بدبینانه کلی - جزئی با خودباوری جوانان $r = 0/03$ و بین سبک اسنادی خوشبینانه درونی - بیرونی با خودباوری جوانان $r = 0/07$ است که در سطح $p < 0/05$ معنی دار نیست.

• بین انواع سبک های اسنادی خوشبینانه و بدبینانه با خودباوری جوانان رابطه چندگانه معنی داری وجود دارد.

وجود دارد.

جدول 6 نتایج تحلیل رگرسیون را نشان می دهد.

جدول 6: نتایج تحلیل رگرسیون خودباوری از طریق سبک های اسنادی

ضرایب رگرسیون				F (p)	RS	MR	متغیرهای پیش بین	متغیر ملاک
بدبینانه پایدار - ناپایدار	بدبینانه درونی - بیرونی	خوشبینانه کلی - جزئی	خوشبینانه پایدار - ناپایدار					
			$\beta=-0/17$ $t=-3/78$ $P<0/001$	14/29 (0/001)	0/03	0/17	خوشبینانه پایدار - ناپایدار	

		$\beta=0/22$ $t=4/39$ $P<0/001$	$\beta=-0/27$ $t=-5/42$ $P<0/001$	17/10 (0/001)	0/07	0/26	خوشبینانه کلی- جزئی	خودباوری
	$\beta=0/15$ $t=3/37$ $P<0/001$	$\beta=0/19$ $t=3/94$ $P<0/001$	$\beta=-0/27$ $t=-5/47$ $P<0/001$	15/35 (0/001)	0/08	0/30	بدبینانه درونی- بیرونی	
$\beta=-0/11$ $t=-2/11$ $P<0/05$	$\beta=0/14$ $t=3/16$ $P<0/001$	$\beta=0/21$ $t=4/22$ $P<0/001$	$\beta=-0/21$ $t=-3/72$ $P<0/001$	12/72 (0/001)	0/09	0/31	بدبینانه پایدار- ناپایدار	

همان طور که مشاهده می کنید رابطه چندگانه سبک های اسنادی با خودباوری $MR = 0/31$ ، $RS = 0/09$ و با توجه به مقدار $F = 12/72$ در سطح $P < 0/001$ معنی دار است. بنابراین این فرضیه مورد تایید واقع گردید. از بین متغیرهای پیش بین (انواع سبک های اسنادی) بهترین پیش بین کننده به ترتیب سبک اسنادی خوشبینانه پایدار- ناپایدار، خوشبینانه کلی- جرئی، بدبینانه درونی- بیرونی و بدبینانه پایدار- ناپایدار بوده است.

• بین انواع ارزش های فرهنگی، انواع شیوه های فرزندپروری، منابع مختلف کنترل و سبک های

اسنادی با خودباوری جوانان رابطه چندگانه معنی داری وجود دارد.

جدول ۷ نتایج تحلیل رگرسیون را نشان می دهد.

جدول ۷: نتایج تحلیل رگرسیون خودباوری از طریق متغیرهای پیش بین

ضرایب رگرسیون					F (p)	RS	MR	متغیرهای پیش بین	متغیر ملاک
فرزندپروری منطقی	خوشبینانه کلی- جزئی	خوشبینانه پایدار- ناپایدار	کنترل درونی	کنترل بیرونی قدرت					
				$\beta=-0/31$ $t=-6/97$ $P<0/001$	48/62 (0/001)	0/09	0/31	کنترل بیرونی قدرت	
			$\beta=0/20$ $t=4/38$ $P<0/001$	$\beta=-0/36$ $t=-8/09$ $P<0/001$	34/87 (0/001)	0/13	0/36	کنترل درونی	
		$\beta=-0/14$	$\beta=0/18$	$\beta=-0/35$	27/49	0/15	0/39	خوشبینانه	

		$t=-3/34$ $P<0/001$	$t=4/01$ $P<0/001$	$t=-7/96$ $P<0/001$	(0/001)			پایدار-ناپایدار	خود باوری
	$\beta=0/17$ $t=3/60$ $P<0/001$	$\beta=-0/22$ $t=-4/65$ $P<0/001$	$\beta=0/18$ $t=4/20$ $P<0/001$	$\beta=-0/33$ $t=-7/40$ $P<0/001$	24/39 (0/001)	0/17	0/42	خوشبینانه کلی - جزئی	
$\beta=0/09$ $t=2/16$ $P<0/05$	$\beta=0/18$ $t=3/75$ $P<0/001$	$\beta=-0/21$ $t=-4/51$ $P<0/001$	$\beta=0/17$ $t=3/75$ $P<0/001$	$\beta=-0/31$ $t=-6/74$ $P<0/001$	20/60 (0/001)	0/18	0/43	فرزندپروری منطقی	

همان طور که مشاهده می کنید رابطه چندگانه منبع کنترل بیرونی اثر افراد قدرتمند، منبع کنترل درونی، سبک اسنادی خوشبینانه پایدار- ناپایدار، سبک اسنادی خوشبینانه کلی- جزئی و شیوه فرزندپروری منطقی با خودباوری جوانان $MR = 0/43$ ، $RS = 0/18$ و با توجه به مقدار $F = 20/60$ در سطح $P < 0/001$ معنی دار است. بنابراین این فرضیه مورد تایید واقع گردید. از بین متغیرهای پیش بین (انواع ارزش های فرهنگی، انواع شیوه های فرزندپروری، منابع مختلف کنترل و سبک های اسنادی) بهترین پیش بین کننده به ترتیب منبع کنترل بیرونی اثر افراد قدرتمند، منبع کنترل درونی، سبک اسنادی خوشبینانه پایدار- ناپایدار، سبک اسنادی خوشبینانه کلی- جزئی و شیوه فرزندپروری منطقی بوده است.

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش، تعیین رابطه بین متغیرهای شیوه های فرزندپروری، ارزش های فرهنگی، منبع کنترل و سبک های اسنادی با خودباوری جوانان استان بوشهر بود. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که شیوه های فرزندپروری، ارزش های فرهنگی، منبع کنترل و سبک های اسنادی با خودباوری جوانان رابطه ساده و چندگانه معنی داری داشتند. این یافته ها بسیار نوید بخش و نشان دهنده ارزش بالقوه رویکردهای مبتنی بر روان شناسی مثبت بر خودباوری جوانان بودند. با طرح فرضیه های پژوهش و مولفه های آن به بحث درباره فرضیه های و تبیین یافته های مربوط به آنها بر اساس شواهد پژوهشی می پردازیم.

رابطه بین فرهنگ مردسالاری-زن سالاری با خودباوری جوانان معنی دار بود. این بیانگر آن است که هر چه توزیع قدرت در جامعه عادلانه باشد، با خودباوری جوانان رابطه مستقیم معنی داری وجود دارد. بنابراین، هر چه توزیع قدرت در جامعه ناعادلانه باشد، با خودباوری جوانان رابطه معکوس معنی داری وجود دارد. همچنین، رابطه چندگانه نگرش های فرهنگی با خودباوری جوانان معنی دار بود. از بین متغیرهای پیش بین

(انواع ارزش های فرهنگی) بهترین پیش بین کننده ارزش فرهنگی مردسالاری- زن سالاری بوده است. نتایج این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های منصوری و همکاران (۱۳۹۲)؛ چیونز و همکاران (۲۰۰۵)؛ تیلور و مونتگومری (۲۰۰۷) و هیون و همکاران (۲۰۱۰) همسو و هماهنگ است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت امروزه اکثر افراد بر این باور هستند که مهارت‌ها و توانایی‌های افراد ملاک و معیار توانمندی آنها است- صرف نظر از این که مرد یا زن باشند. امروزه خانواده‌ها بر این باور هستند که دختران مانند پسران در دروس ریاضی توانمند هستند و در بیشتر دانشگاه‌ها دختران پا به پای پسران پیشرفت می‌کنند. در گذشته، دختران کمتر در دبیرستان به رشته‌های ریاضی علاقمند بودند و به ادامه تحصیل در رشته‌های مهندسی کمتر تمایل داشتند. اما امروزه شاهد آنیم که نسبت قبولی دختران و پسران تقریباً برابر است و گرایش زیادی به رشته‌های فنی- مهندسی در دختران مشاهده می‌شود. بنابراین، با ایجاد و گسترش چنین تجربه‌هایی، نگرش‌های فرهنگی نیز تغییر می‌یابد و افراد می‌پذیرند که زنان مانند مردان می‌توانند موثر واقع شوند، پیشرفت کنند، مسائل را به گونه‌ای منطقی حل کنند و در رشته تحصیلی، شغل و پست سازمانی خود به موفقیت دست یابند. خودباوری زمانی بیشتر است که فرهنگ متعادل باشد، نه مردسالار و نه زن سالار. در این تحقیق نیز این یافته مورد تایید واقع شد. همچنین، فرهنگ جمع‌گرایی یا فردگرایی با خودباوری جوانان ارتباطی نشان نداد، اما این که جوانان احساس کنند در جامعه تبعیض و بی‌عدالتی و پارتی بازی وجود دارد این احساس و ارزش فرهنگی موجب می‌شود که خودباوری جوانان را تضعیف نماید و باور آنها را نسبت به توانمندی خودشان را خدشه‌پذیر کند. اگر جوانان احساس کنند که در تصمیم‌گیری‌ها نقش و مشارکت دارند، بی‌شک آنها باور مثبتی نسبت به خود پیدا می‌کنند و خودباوری‌شان ارتقا می‌یابد. در این تحقیق نیز این یافته مورد تایید قرار گرفت.

رابطه بین شیوه فرزندپروری آزادگذاری با خودباوری جوانان معنی‌دار نبود، اما رابطه بین شیوه فرزندپروری استبدادی و منطقی با خودباوری جوانان معنی‌دار بود. نتایج این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های تاک و همکاران (۲۰۱۰) و آرسال (۲۰۱۰) همسو و هماهنگ است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که در شیوه فرزند پروری استبدادی، والدینی که الگوی مستبدانه دارند در حالی که از رفتاری بی‌تفاوت و سرد برخوردارند برای اطاعت بدون چون و چرایی فرزندان ارزش قائلند و از کودکان انتظار مسئولیت دارند. این والدین ممکن است بگویند سؤال نکن فقط کاری را که گفتم انجام بده. ویژگی شخصیتی کودکان و والدین مستبد این است که به سادگی مضطرب می‌شوند، نوسان خلق و پرخاشگری نشان می‌دهند و معمولاً

مهارت های ارتباطی ضعیفی دارند. بنابراین، منطقی است که شیوه فرزند پروری استبدادی رابطه منفی با خودباوری داشته باشد. در این تحقیق نیز همین یافته به دست آمد. والدین سهل گیر، محدودیتی را اعمال نمی کنند؛ بی توجه و بی علاقه هستند و زمینه هیچ گونه فعالیت هیجانی را فراهم نمی کنند. آنها انتظار اندکی از کودکان دارند و کنترل های ناچیزی را اعمال می کنند. این کودکان از مهارت های اجتماعی ضعیفی برخوردارند، اغلب نمی آموزند که به دیگران احترام بگذارند و ناپخته و خارج از کنترل هستند. بنابراین، بین این شیوه با خودباوری جوانان رابطه ای به دست نیامد. اما والدین مقتدر، نسبت به کودکان خود نگران و حساس اند. علاوه بر اینکه افزایش مسئولیت را تشویق می کنند، محدودیت های قاطعی را تدارک می بینند و آنها را اعمال می کنند. همانطوری که ممکن است انتظار داشته باشید، کودکان به بهترین وجهی زیر نظر والدین مقتدر پرورش می یابند. آنها متکی به خود و مستقل هستند و از پیشرفت بالایی برخوردارند. آنها در ارتباط با دیگران خوشنود، صمیمی، اجتماعی و شایسته هستند. در این تحقیق، بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه با خودباوری جوانان رابطه معنی داری به دست آمد.

رابطه بین منبع کنترل درونی با خودباوری جوانان معنی دار بود. نتایج این یافته ها با نتایج پژوهش های جانسون و همکاران (۲۰۰۰) همسو و هماهنگ است. در تبیین این یافته می توان گفت که افرادی که دارای منبع کنترل درونی هستند، بر وقایع و رویدادهای زندگی شان کنترل دارند و مسلط هستند. آنها مسائل و مشکلات را علت یابی می کنند و سعی می کنند مسائل و مشکلات پیش آمده را مدیریت کنند و مشکلات را به طور منطقی حل نمایند. آنها مجدانه تلاش می کنند و موفقیت ها و شکست های خود را به شانس، بدبختی و تقدیرات و مقدرات نسبت نمی دهند. به همین دلیل است که منبع کنترل درونی با خودباوری جوانان رابطه معنی داری دارد. افرادی که کنترل بیرونی دارند بر این باور هستند که پیامد کارهایشان تحت تاثیر عوامل بیرون از خودشان است. به طور واضح تر این که اگر موفقیتی کسب کردند، آن را به شانس و آسانی تکلیف و یا کمک معلم نسبت می دهند و اگر شکست بخورند، آن را به ویژگی های خودشان مثل اینکه استعداد کافی ندارم و یا توانایی من در همین حد است، نسبت می دهند. بنابراین افرادی که کنترل بیرونی از نوع شانس دارند، موفقیت ها و شکست های خود را به شانس نسبت می دهند. به همین دلیل است که این نوع کنترل بیرونی یا با خودباوری رابطه ندارد و یا رابطه معکوسی دارد. در این تحقیق نیز بین منبع بیرونی کنترل از نوع شانس با خودباوری جوانان رابطه معکوسی وجود دارد. افرادی که کنترل بیرونی از نوع قدرت دارند بر این باور هستند که پیامدهای رفتارشان تحت تاثیر افراد بیرونی قدرتمند می باشد-

مثلاً معلم بر روی موفقیت من نقش دارد، مدیر مدرسه باعث پیشرفت من شده است، پیشرفت من در کارخانه به علت ویژگیهای مثبت مدیر است. در این تحقیق نیز بین منبع کنترل بیرونی قدرت با خودباوری جوانان رابطه معکوس معنی داری وجود دارد.

رابطه بین سبک های اسنادی بدبینانه درونی - بیرونی و بدبینانه پایدار و ناپایدار با خودباوری جوانان معنی دار بود. ضریب همبستگی بین سبک اسنادی خوشبینانه پایدار - ناپایدار و خوشبینانه کلی - جزئی با خودباوری جوانان معنی دار به دست آمد. نتایج این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های سلیگمن (۲۰۰۲)، جانسون و همکاران (۲۰۰۰) و اشنايدر و همکاران (۲۰۰۶) همسو و هماهنگ است. در تبیین این یافته می توان گفت که در اسناد هدف ما این است که برای توجیه رفتارهای خود از قواعدی استفاده کنیم. قابل ذکر است که انسان ها همیشه برای توجیه پیامد رفتارهای خود به تحلیل روابط علت و معلولی نمی پردازند. در واقع، بسیاری از رویدادها که قابل پیش بینی هستند معمولاً نیازی به اسناد ندارند، زیرا موفقیت و شکست مورد انتظار، پیامدهایی پیش بینی شده هستند، اما ناهمخوانی پیامدهای مورد انتظار با پیامدهای واقعی موجب حالت ناخوش آیند تردید و دودلی می شود که مردم به کمک مکانیزم اسناد برای رفع آن تلاش می کند. طبق مطالعات، افراد در تبیین علمی از رویدادهای زندگی همسان عمل نمی کنند، زیرا برخی از آنها به اقتضای سبک تبیین خوش بینانه حاکم بر رفتار خویش، حوادث مثبت را به عوامل درونی، پایدار و کلی نسبت می دهند، در حالی که حوادث منفی را به عوامل بیرونی، ناپایدار، و اختصاصی مربوط می سازند. اما برخی دیگر به اقتضای سبک تبیین بدبینانه حاکم بر رفتار خویش، حوادث مثبت را به عوامل بیرونی، ناپایدار، و اختصاصی نسبت می دهند، در حالی که حوادث منفی را به عوامل درونی، پایدار و کلی مربوط می کنند. بدیهی است این ناهمسانی ضمن آنکه در عوامل مختلفی ریشه دارد، با پیامدهای متفاوتی نیز همراه است. طبق نظر پیترسون و سلیگمن (۱۹۸۴) کسانی که رویدادهای منفی را با توجه به عوامل درونی، پایدار و کلی تبیین می نمایند، آمادگی بیشتری برای درماندگی و در نتیجه افسردگی دارند، در حالی که سبک تبیین خوش بینانه از احساس درماندگی و ابتلا به افسردگی پیش گیری می کند. وقتی شاگردان خود را توانا می بینند و شکست های خود را به عوامل قابل کنترل (مثل فقدان کوشش یا ناکافی بودن دانش و اطلاعات خود) نسبت می دهند، احتمالاً بر راهبردهایی متمرکز می شوند که موفقیت آنها را در آینده تضمین کنند، اما مشکلات انگیزشی آنها وقتی ظاهر می شود که شکست های خود را به علل پایدار و غیرقابل کنترل نسبت دهند، زیرا در چنین شرایطی انگیزه آنان برای تلاش کاهش می یابد و انتظار شکست بیشتری

را در آینده خواهند داشت. یک بار شکست خوردن، دانش آموزان را نگران نمی کند، اما شکست های مکرر حتی مصمم ترین شاگردان را درباره توانایی های خود دچار تردید می نماید. به همین دلیل ضمن هشدار نسبت به عدم تضعیف توانایی های دانش آموزان، پیشنهاد می گردد تمهیداتی فراهم شود تا دانش آموزان موفقیت و شکست خود را به تلاش خویش (نه توانایی) اسناد دهند تا از تضعیف فرآیندهای انگیزشی آنها جلوگیری شود.

بنابراین، با توجه به ارتباط بین اسناد با سلامت روانی نوجوانان و تاثیر آن در عملکرد بعدی آنها، به مربیان توصیه می شود تا نسبت به چگونگی تبیین شاگردان از عملکردهای خویش توجه ویژه نشان دهند؛ یعنی به آنها بیاموزند تا شکست های خود را به عدم تلاش و کوشش کافی خود (عامل ناپایدار) نسبت دهند، نه به ضعف توانایی خویش که عاملی پایدار است تا ضمن تسهیل عملکردهای تحصیلی، سلامت روانی آنها نیز تقویت گردد. اسنادها در برخی موارد می توانند واکنش های هیجانی انسان را تعدیل کنند. نسبت دادن موفقیت ها به عوامل درونی موجب افزایش خودباوری می شود و به هیجان غرور می انجامد، اما نسبت دادن موفقیت ها به عوامل بیرونی، به احساس سپاسگزاری و قدردانی منتهی می گردد. همچنین، نسبت دادن موفقیت ها به عوامل پایدار (اعم از درونی و بیرونی) به هیجان امید می انجامد که به موجب آن انتظار تکرار موفقیت ها نیز افزایش می یابد. از طرف دیگر، چنانچه شکست ها ناشی از قصور فرد و قابل پیشگیری ارزیابی شوند به احساس گناه منجر می گردند، اما احساس شرم وقتی حاصل می شود که شکست ها کنترل ناپذیر و ناشی از قصور فرد ارزیابی نشوند. همین طور احساس خشم وقتی پدیدار می شود که شکست ها ناشی از شرایط خارجی و کنترل پذیر ارزیابی شده باشند، اما احساس تأسف وقتی حادث می شود که شکست ها ناشی از دخالت شرایط خارجی و کنترل ناپذیر توجیه شوند. اسناد رویدادهای منفی به عوامل درونی موجب کاهش خودباوری می شود، اما با اسناد آن به عوامل بیرونی می توان از پیامدهای نامطلوب خودباوری جلوگیری کرد. در این تحقیق نیز بین اسناد بدبینانه درونی - بیرونی با خودباوری و اسناد بدبینانه پایدار - ناپایدار با خودباوری رابطه منفی معنی داری به دست آمد.

جوانان و نوجوانان پس از رویدادهای منفی و شکست بر مداخله علل خارجی تأکید می کنند، اما پس از رویدادهای موفقیت آمیز بر اهمیت عوامل درونی تأکید بیشتری دارند. نوع اسناد موفقیت و شکست دانشجویان متاثر از خودباوری آنهاست؛ یعنی موفقیت خود را به عوامل درونی نسبت می دهند تا خودباوری خویش را افزایش دهند، اما شکست ها را به عوامل خارجی نسبت می دهند و با انکار مسئولیت

عملکرد خود، از کاهش خودباوری خویش اجتناب می کنند. از طرف دیگر، چنانچه عملکرد جوانان با انتظارات آنها هماهنگ باشد، عملکرد خود را به عوامل درونی و پایدار (مثل استعداد) نسبت می دهند، در غیر این صورت این رویدادها را به عوامل ناپایدار (مانند شانس) ربط خواهند داد. اما واقعیت این است که چون جوانان مایل اند خود را به عنوان عامل عملکردهای مثبت نشان دهند، هنگام موفقیت ها اسناد درونی و پایدار دارند، اما هنگام شکست اسناد بیرونی و ناپایدار نشان می دهند. در مطالعه کدیور (۱۳۷۵) نیز معلوم شد دانش آموزانی که در کلاس های ضعیف طبقه بندی شده بودند از سبک اسناد منفی استفاده می کردند، زیرا با طبقه بندی و جایگزینی آنها در کلاس های ضعیف، خودباوری آنها آسیب می بیند و احساس ضعف و خود کم بینی خواهند داشت. به عبارت دیگر، اگر چه تفاوت در سطح خودباوری موجب تفاوت در پاسخ به حوادث منفی است، پاسخ به حوادث مثبت، هیچ تفاوتی را در خودباوری افراد بر نمی انگیزد. به طور کلی، نتایج پژوهش ها نشان می دهند هر اندازه افراد در علت یابی رویدادهای مثبت و منفی، موفقیت های خود را بیشتر به عوامل پایدار و درونی نسبت دهند، از خودباوری بالاتری برخوردار خواهند بود؛ اما در صورت اسناد شکست های خود به عوامل درونی و پایدار خودباوری بیشتری را از دست خواهند داد، ضمن آن که با نسبت دادن شکست ها به عوامل بیرونی، خودباوری فرد کمتر خدشه دار می شود. در مجموع، می توان گفت که دو متغیر سبک اسناد و خودباوری با یکدیگر ارتباط عمیقی دارند، در این تحقیق نیز این یافته مورد تاکید قرار گرفت که اسنادهای خوشبینانه پایدار- ناپایدار و کلی- جزئی با خودباوری جوانان رابطه معنی داری دارد.

رابطه چندگانه منبع کنترل بیرونی اثر افراد قدرتمند، منبع کنترل درونی، سبک اسنادی خوشبینانه پایدار- ناپایدار، سبک اسنادی خوشبینانه کلی- جزئی و شیوه فرزندپروری منطقی با خودباوری جوانان معنی دار بود. از بین متغیرهای پیش بین بهترین پیش بین کننده به ترتیب منبع کنترل بیرونی اثر افراد قدرتمند، منبع کنترل درونی، سبک اسنادی خوشبینانه پایدار- ناپایدار، سبک اسنادی خوشبینانه کلی- جزئی و شیوه فرزندپروری منطقی بوده است. نتایج این یافته ها با نتایج پژوهش های جانسون و همکاران (۲۰۰۰) همسو و هماهنگ است. در تبیین این یافته می توان گفت که افرادی که کنترل بیرونی دارند بر این باور هستند که پیامد کارهایشان تحت تاثیر عوامل بیرون از خودشان است؛ یعنی اگر موفقیتی کسب کردند آن را به افراد صاحب قدرت مثل معلم، مدیر، والدین و غیره نسبت می دهند و اگر شکست بخورند، آن را به خودشان نسبت می دهند. گناه های آنها می تواند اینگونه باشد: معلم موجب موفقیت من شده است، مدیر مدرسه

باعث پیشرفت من شده است، پیشرفت من در کارخانه به علت ویژگی های مثبت مدیر بوده است. البته رابطه چندگانه بین این نوع سبک اسنادی با خودباوری معکوس است. افرادی که دارای منبع کنترل درونی هستند، بر وقایع و رویدادهای زندگی شان کنترل دارند و مسلط هستند. آنها مسائل و مشکلات را علت یابی می کنند و سعی می کنند مسائل و مشکلات پیش آمده را مدیریت و مشکلات را به طور منطقی حل نمایند. آنها مجدانه تلاش می کنند و موفقیت ها و شکست های خود را به شانس، بدبختی و تقدیرات و مقدرات نسبت نمی دهند. به همین دلیل است که منبع کنترل درونی با خودباوری جوانان رابطه چندگانه معنی داری دارد.

طبق مطالعات افراد در تبیین علمی از رویدادهای زندگی همسان عمل نمی کنند، زیرا برخی از آنها به اقتضای سبک تبیین خوش بینانه حاکم بر رفتار خویش، حوادث مثبت را به عوامل درونی، پایدار و کلی نسبت می دهند، در حالی که حوادث منفی را به عوامل بیرونی، ناپایدار، و اختصاصی مربوط می سازند. اما برخی دیگر به اقتضای سبک تبیین بدبینانه حاکم بر رفتار خویش، حوادث مثبت را به عوامل بیرونی، ناپایدار، و اختصاصی نسبت می دهند، در حالی که حوادث منفی را به عوامل درونی، پایدار و کلی مربوط می کنند. بدیهی است این ناهمسانی ضمن آنکه در عوامل مختلفی ریشه دارد، با پیامدهای متفاوتی نیز همراه است. سبک تبیین خوش بینانه از احساس درماندگی و ابتلاء به افسردگی پیش گیری می کند. وقتی شاگردان خود را توانا می بینند و شکست های خود را به عوامل قابل کنترل (مثل فقدان کوشش یا ناکافی بودن دانش و اطلاعات خود) نسبت می دهند، احتمالاً بر راهبردهایی متمرکز می شوند که موفقیت آنها را در آینده تضمین کنند. اما مشکلات انگیزشی آنها وقتی ظاهر می شود که شاگردان شکست های خود را به علل پایدار و غیرقابل کنترل نسبت دهند، زیرا در چنین شرایطی انگیزه آنان برای تلاش کاهش می یابد و انتظار شکست بیشتری را در آینده خواهند داشت. اگر عملکرد جوانان با انتظارات آنها هماهنگ باشد، عملکرد خود را به عوامل درونی و پایدار (مثل استعداد) نسبت می دهند، در غیر این صورت این رویدادها را به عوامل ناپایدار (مانند شانس) ربط خواهند داد. اما واقعیت این است که چون جوانان مایل اند خود را به عنوان عامل عملکردهای مثبت نشان دهند، هنگام موفقیت ها اسناد درونی و پایدار دارند و هنگام شکست، اسناد بیرونی و ناپایدار نشان می دهند. سبک اسناد و خودباوری با یکدیگر ارتباط عمیقی دارند. در این تحقیق نیز این یافته مورد تاکید قرار گرفت که اسنادهای خوشبینانه پایدار- ناپایدار و کلی- جزئی با خودباوری جوانان رابطه چندگانه معنی داری دارد. در شیوه فرزندپروری منطقی، والدین نسبت به کودکان

خود نگران و حساس اند. آنها همچنین علاوه بر اینکه افزایش مسئولیت را تشویق می کنند، محدودیت های قاطعی را تدارک می بینند و آنها را اعمال می کنند. همان طوری که انتظار می رود کودکان به بهترین وجهی زیر نظر والدین مقتدر پرورش می یابند. آنها متکی به خود و مستقل هستند و از پیشرفت بالایی برخوردارند. آنها در ارتباط با دیگران خوشنود، صمیمی، اجتماعی و شایسته هستند. در این تحقیق بین شیوه فرزندپروری مقتدرانه با خودباوری جوانان رابطه چندگانه معنی داری به دست آمد.

در اجرای این پژوهش با محدودیت هایی رو به رو شدیم. تحقیق حاضر توصیفی بود، در نتیجه روابط به دست آمده علی- معلولی نیست. جامعه تحقیق بسیار گسترده بود، تعمیم نتایج باید با ملاحظه و احتیاط بسیار زیادی صورت بگیرد. تحقیق حاضر یک طرح مقطعی بود. برای بررسی دقیقتر نیاز به تحقیق طولی است. جامعه تحقیق شامل گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ ساله بود. لذا جامعه بسیار گسترده ای است. عدم کنترل برخی از متغیرهای تحقیق مثل سطح تحصیلات والدین، وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده ها، هوش افراد، انگیزش آنها و ... از محدودیت های دیگر تحقیق حاضر می باشد.

در این پژوهش همانند اکثر پژوهش های دیگر، از ابزار خودگزارشی برای اندازه گیری سازه های مورد نظر استفاده شد. نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که بین فرهنگ مردسالاری- زن سالاری و فرهنگ توزیع قدرت با خودباوری جوانان رابطه معنی داری وجود دارد. لذا پیشنهاد می شود با برگزاری دوره های آموزشی موثر، فرهنگ متعادل را ترویج دهند نه فرهنگ مرد سالاری و یا فرهنگ زن سالاری.

پیشنهاد می شود با برگزاری جلسات مختلف هم اندیشی با جوانان به آنها نشان دهند که توزیع قدرت باید عادلانه می باشد تا از این طریق بتوان خودباوری جوانان را افزایش داد. از بین متغیرهای پیش بین انواع شیوه های فرزندپروری، بهترین پیش بین کننده خودباوری جوانان، شیوه فرزند پروری منطقی بوده است. پیشنهاد می شود که با استفاده از متخصصان دوره های تربیتی، شیوه های فرزند پروری کارآمد را به زوجین جوان یا خانواده ها آموزش داد.

نتایج پژوهش حاضر نشان می دهد که بین منابع مختلف کنترل بیرونی و منبع کنترل درونی با خودباوری جوانان رابطه معنی داری وجود دارد. بنابراین پیشنهاد می شود که سازمان های متولی، جوانان را به باور برسانند که تلاش و کوشش رمز موفقیت آنان است، نه شانس و یا چیزهای دیگر.

از بین متغیرهای پیش بین انواع سبک های اسنادی بهترین پیش بین کننده خودباوری جوانان به ترتیب سبک اسنادی خوشبینانه پایدار- ناپایدار و خوشبینانه کلی- جزئی بوده است. بنابراین، پیشنهاد می شود که

سازمان های متولی امور جوانان مثل تربیت بدنی، فرهنگ و ارشاد و صدا و سیما برنامه ها و طرح هایی اجرایی کنند که در جامعه نشاط و شادابی پایداری ایجاد شود تا جوانان لذت ببرند و خلاقیت و خودباوری آنها شکوفا شود.



منابع

- بختیارپور، سعید؛ حافظی، فریبا و بهزادی شینی، فاطمه. (۱۳۸۹). "رابطه بین جایگاه مهار، کمال گرایی و خودکارآمدی با اضطراب امتحان و عملکرد تحصیلی در دانشجویان". مجله یافته‌های نو در روان‌شناسی. ۳: ۲۵-۳۵.
- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۹۰). روش‌های افزایش عزت نفس در کودکان و نوجوانان. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران
- بیگللی، حسین و مددی، سمیه. (۱۳۹۲). "بررسی روابط خودکارآمدی و سبک‌های اسنادی در دانشجویان". فصلنامه روانشناسی تربیتی. ۲۹، ۹، ۶۷-۴۷.
- توزنده جانی، حسن؛ توکلی زاده، جهانشیر و لگزیان، زهرا. (۱۳۹۰). "اثربخشی شیوه‌های فرزندپروری بر خودکارآمدی و سلامت روانی دانشجویان علوم انسانی دانشگاه پیام نور و آزاد نیشابور". فصلنامه افق دانش. دوره ۱۷، شماره ۲، ۶۴-۵۶.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۹۰). نقش فعالیت‌های فوق برنامه در تربیت نوجوانان. تهران: انتشارات اطلاعات
- لطف آبادی، حسین. (۱۳۸۰). عواطف و هویت نوجوانان و جوانان. تهران: سازمان ملی جوانان
- محمدی، نوراله. (۱۳۸۴). "بررسی مقدماتی اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس حرمت خود روزنبرگ". فصلنامه روان‌شناسان ایرانی. سال اول شماره ۴، ص ۳۲۰-۳۱۳.
- منصوری، روح‌الله؛ مطیعی، حورا؛ شکرریز؛ جواد و نجاتی، وحید. (۱۳۹۲). "بررسی ساختار عاملی و پایایی پرسشنامه ارزش‌های فرهنگی سازمان. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی". دوره پنجم، شماره ۱۵، ۵۷-۷۱.
- کدیور، پروین. (۱۳۷۵). "بررسی رشد قضاوت‌های اخلاقی دانش‌آموزان در رابطه با جو سازمانی مدرسه و نحوه تعامل معلم با دانش‌آموزان". فصلنامه تعلیم و تربیت. ۱۲، ۴.
- اسلامی شهر بابکی، حیدر. (۱۳۶۹). "بررسی رابطه بین سبک تبیین و افسردگی در بیماران افسرده ی تک قطبی و دوقطبی و مقایسه آن با افراد بهنجار". پایان نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران.

- واضحی آشتیانی، ع . (۱۳۸۲). "بررسی تاثیر بازآموزی اسنادی بر سبک اسنادی، عزت نفس، عملکرد و پشتکار در درس ریاضیات دانش آموزان". پایان نامه کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، انستیتو روانپزشکی تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- Arsal, Z. (2010). **"The effects of diaries on self-regulation strategies of pre-service science teacher's"**. International Journal of Environmental & Science Education, 5(1): 85-103.
- Bandura, A. (1977). **"Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change"**. Psychiatry Review, 84, 191-215.
- Bandura, A. (2000). **Cultivate self-efficacy for personal and organizational effectiveness**. Handbook of principles of organization behavior. Oxford: Blackwell; 120-139.
- Bandura, A. (2006). **:Guide for constructing self-efficacy scales"**. In F. Pajares & T. Urdan (Eds.), *Self-efficacy beliefs of adolescents (Vol. 5, pp. 307-337)*. Greenwich, CT: Information Age Publishing.
- Bandura, A., & Schuk, D. H. (2005). **"Contriving competence, self-efficacy and intrinsic interest through proximal self-motivation"**. J Perls & Physiology, 41(3), 586- 598.
- Cheavens, J. S., Feldman, D. B., Gum, A., Michael, S. T. & Schneider, C. R. (2005). **"Hope therapy in a community sample: A pilot investigation"**. Social Indicators Research, 77.
- Buri, J. R. (1991). **"Parental authority questionnaire"**. Journal of Personality Assessment, 57, 110–119.
- Crocker, J. (2002). **"Contingencies of self-worth: Implications for self-regulation and psychological vulnerability"**. Self and Identity, 1, 143–149.
- Donnelly, J., Young, M., Pearson, R., Penhollow, T. M. & Hernandez, A. (2008). **"Specific self-esteem, values, and adolescent substance use"**. Journal of Drug Education. V, 38(4):389-403.

- Hargie, O., & Dickson, D. (2004). **Skilled interpersonal Communication: Research, theory and practice**. Hove, England: Rout ledge.
- Hyun, M. S., Cho Chung, H. I., & Lee, Y. J. (2010). **"The effect of cognitive-behavioral group therapy on the self-esteem, depression, and self- efficacy of runaway adolescents in a shelter in South Korea"**. Applied Nursing Research, 8(3), 160-166.
- Jain, S., & Dowson, M. (2009). **"Mathematics anxiety as a function of multidimensional self-regulation and self-efficacy"**. Contemporary Educational Psychology, Vol 34, Issue 3:240-249.
- Johnson, J.G., Metalsky, G.I., Rabkin, J.G., Williams, J., Remien, R (2000). **"Attributional Style, Self-Esteem, and Human Immunodeficiency Virus: A Test of the Hopelessness and Self-Esteem Theories of Depression"**. Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment. 22 (1), 23-46.
- Karademas, E. & Kalantzi, A. (2004). **"The stress process, self-efficacy expectations, and psychological health"**. Personality and Individual Differences, 37, 1033-1043.
- Karagözoğlu, L., Kahve, E., & Adamişoğlu, D. (2008). **"Self-esteem and assertiveness of final year Turkish university students"**. Nurse Education Today, 28 (5), 641-649.
- Kernis, M. H. (2006). **Self-esteem: Issues and Answers. A Source Book of Current. Perspectives**. Psychology Press.
- Mutlu, T., Balbag, Z. & Cemrek, F. (2010). **"The role of self-esteem, locus of control and big five personality traits in predicting hopelessness"**. Procedia Soc. Behave. Sci. 2010; 9: 1788-1792.
- Peterson, C., & Seligman, M. E. P. (1984). **"Causal explanations as a risk factor for depression: Theory and evidence"**. Psychological Review, 91, 347-374.
- Rosenberg, M. (1965). **Society and the adolescent self-image**. Princeton, NJ: Princeton University Press

- Sang, G., Valcke, M., Braak, J. & Tondeur, J. (2010). **Student teachers' thinking processes and ICT integration: Predictors of prospective teaching behaviors with educational technology**. Computers and Education.
- Schneider, C. R., Ritschel, L. A., Ravid, L. K. & Berg, C. J. (2006). **"Balancing Psychological Assessments: Including Strengths and Hope in Client Reports"**. Journal of Clinical Psychology, 62(1), 33-46.
- Schrank, B., & Stanghellini, G. (2008). **"Hope in psychiatry: a review of the literature"**. Journal of American psychiatry. 11(2): 421-433.
- Scott, H., Shannon, L., & Caroline, L. (2004). **"Life satisfaction in children and youth empirical foundation and implications for school Psychologist"**. Psychology in the Schools, 41(1), 81-130.
- Seligman, M. E. P. (2002). **Authentic Happiness: Using the new positive psychology to realize your potential for lasting full filament**. New York: Free press.
- Seligman, M. E. P., Abramson, L. Y., Semmel, A., & Von Baeyer, C. (1979). **"Depressive attributional style"**. Journal of Abnormal Psychology, 88, 242–247.
- Scheafer, E. S. A. (2003). **"Circumflex model for maternal behavior"**. Journal of Abnormal and Social Psychology, 59(2), 226-235.
- Taylor, T. L. & Montgomery, P. (2007). **"Can Cognitive-behavioral therapy increase self-esteem among depressed adolescent? A systematic review"**. Journal of children and Youth services review, 29,823-839.
- Tella, A. (2011). **"An assessment of mathematics self - efficacy of secondary school students In Osun state, Nigeria"**. IFE Psychology, 19 (1), 430-440.
- Thompson, A., Hollis, C., Richards, D. (2003). **"Authoritarian parenting attitudes as a risk for conduct problems: results from a British national cohort study"**. Eur Child Adol Psychiatry, 12, 84-91.
- Tok, H., Ozgan, H., & Dos, B. (2010). **"Assessing metacognitive awareness and learning strategies as positive predictors for success in distance**

learning class". Mustafa Kemal University Journal of social sciences institute, 7(14): 123-134.

- Turner, A., Chandler, M., Heffer, W. (2009). **"The influence of parenting styles achievement motivation and self-efficacy on academic performance in college students"**. J College Student Development, 50 (3), 337-346.
- Wu, M. (2006). **"Hofstede's cultural dimensions 30 years later: A study of Taiwan and the United States"**. J. Int. Stud, 15 (1): 33-42.
- You, S., Furlong, M. J. Felix, E., Sharkey, J. D., & Tanigawa, D. (2008). **"Relations among school connectedness, hope, life satisfaction, and bully victimization"**. Psychology in the schools, Vol. 45.
- Zimmerman, B. (2000). **"Self-efficacy: An essential motive to learn"**. Contemporary Educational Psychology, 25, pp. 82-91.



Relationship between Cultural Values, Parenting Styles, Locas of Control and Attributional Styles with Self-belife in Youth of Bushehr Province

Seyyed Mousa Golestaneh

Ph.D., Assistant Professor in Educational Psychology, Persian Gulf University, Bushehr, Iran

Received:26 Jul. 2017

Accepted:23 Nov. 2017

Self-belife is one of the essential characteristics of every person's personality and affects other aspects of the individual, and the shortage or lack of them leads to the lack of growth of other aspects of personality. The study is to identify the barriers of self-belife among young people and to examine some of the important pridictors of youth self-efficacy in Bushehr province. The research method is descriptive and correlational. The population consisted of all youths in Bushehr city. 3000 youth from different cities of Bushehr province were selected through multistage cluster sampling. The research tools included a semi-structured interview, and the Seligman attributional styles questionnaire, the Levinson locus of control scale, Rosenberg self-belife scale and Hofstede's cultural attitudes. Pearson correlation coefficient and regression analysis were used to analyze the data. The results of data analysis showed that the most important barriers of youth self-belife include unemployment, lack of independence, ignorance and inability to connected with others. Also, the culture of patriarchy-womanhood and the culture of power distribution with self-efficacy had a significant reverse relation. the democratic parenting style and the authoritarian parenting style with self-belife had a significant relation. There was a significant relationship between the internal and external control locus with self-belife. On the other hand, optimistic and pessimistic attributional styles had a significant relation with self confidence. Therefore, according to the results of the research, unemployment is the most important barrier to youth self-belife. Also, internal control locus and optimistic attributional styles can be predict young people's self-belife.

Key words: Self-belife, Cultural Value, Parenting Style, Locas of Control, Attributional Style and Youth